

طراحی مدل پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی به منظور پیشگیری از آنها توسط

ناجا

سید حسین ابطحی^۱

امیرحسین یآوری بافقی^۲

احمدرضا اسماعیلی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۲۹

تاریخ وصول: ۹۱/۲/۴

چکیده

بحران از هر نوعی می‌تواند موجبات بی‌نظمی و ناامنی را فراهم آورد، بخصوص بحران‌های اجتماعی که می‌توانند زمینه‌ساز سایر بحران‌ها نیز باشند، لذا همین امر لزوم اتخاذ رویکردی فعالانه، مبتنی بر پیش‌نگری در این خصوص توسط پلیس که متولی اصلی برخورد با این گونه از بحران‌ها می‌باشد را بیش از پیش می‌کند.

پژوهش حاضر سعی دارد با تمرکز بر بحران‌های اجتماعی و به منظور پیش‌نگری آن‌ها به ارائه الگوی پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی پردازد.

این پژوهش از حیث زمانی، مقطعی؛ از حیث هدف؛ کاربردی و از حیث روش، توصیفی بوده و از نظر روش‌های جمع‌آوری داده‌ها، ترکیبی می‌باشد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، طرز تلقی بر این است که بیشترین امنیت و آرامش اجتماعی زمانی برقرار می‌شود که حل مسئله مبتنی بر گفت‌وگو باشد، همچنین ۳۱ عامل به عنوان عوامل ارتقاء دهنده امنیت اجتماعی معرفی شده که در بین آنها افزایش سطح رفاه جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. در انتها نیز مدل پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی به منظور پیشگیری از آن‌ها توسط ناجا با تأکید بر مؤلفه‌های: موضوعات، افراد، زمان و جغرافیا ارائه شده است.

۱- استاد دانشگاه علامه طباطبائی

۲- استادیار دانشگاه علوم انتظامی

۳- کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی



واژگان کلیدی: بحران اجتماعی، مدیریت بحران، پیش‌نگری بحران، پیشگیری بحران،

ناجا.

مقدمه

شاید کمتر واژه‌ای همچون بحران، ادبیات معاصر علوم اجتماعی را به خود مشغول داشته و از سوی دیگر، رشته‌های علمی مختلف را درگیر ساخته است. دانشمندان روابط بین‌الملل دل‌مشغول جلوگیری از بروز جنگ بین کشورها، سیاست‌شناسان نگران بروز ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی، صاحب‌نظران علم مدیریت با ورشکستگی و فروپاشی شرکت‌ها و کسب و کارها مواجه هستند، مهندسان و متخصصان فنی، روش‌های کاهش خسارت‌ها و خرابی‌های ناشی از بلایای طبیعی یا سوانح صنعتی را جست‌وجو می‌کنند، اقتصاددانان، تالطم‌ها و نوسانات شدید بازارهای پولی و مالی را تجزیه و تحلیل می‌نمایند، روان‌شناسان، با نابسامانی‌های روحی بیماران سر و کار دارند و سایر صاحب‌نظران و محققان رشته‌های مختلف علمی، هر یک به گونه‌ای واژه بحران را به کار گرفته و از آن برای توصیف پدیده مورد نظر خود استفاده کرده‌اند.

رویدادهای مهم دهه‌های اخیر جهان از نظر سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و انسانی نشان می‌دهد که جوامع بشری پیوسته دستخوش حوادث طبیعی یا تمایلات و اقدامات مخرب انسان‌ها که باعث بحران‌های گوناگون می‌شود، بوده‌اند. بحران‌ها دیگر پدیده‌هایی با ویژگی غیرعادی، کمیاب، اتفاقی و حتی منفی برای جامعه جهانی تلقی نمی‌شوند. همه سازمان‌ها هر روز و هر لحظه تحت تأثیر بحران‌های کوچک و بزرگ قرار دارند بنابراین بی‌خبری از آنها و بی‌اعتنایی به آنها، خوش‌خبری، قدرت، حُسن مدیریت و رهبری محسوب نمی‌شود، بنابراین مدیران و رهبران سازمان‌ها باید پیوسته، آماده رویارویی با بحران‌ها باشند و برای پیشگیری و یا کاستن از تأثیر آنها بر سازمان‌های خود، تفکر، طرح‌ریزی و چاره‌اندیشی نمایند.

بحران‌ها ابعاد و جوانب زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و عوامل ایجادکننده آنها نیز متفاوتند؛ اگر کمی به اطراف خود توجه کنیم



تعداد زیادی خبر از بهم ریختگی زیر ساخت‌ها یا ساختارهای موجود در اجتماعات بشری دریافت می‌کنیم. در این شرایط کمتر سیستم اجتماعی را می‌توان شناسایی نمود که در اثر نوسانات تحول، دائماً از درون در ارتعاش نباشد.

انواع متفاوتی از بحران‌ها قابل شناسایی هستند که به لحاظ موضوعی، بحران‌ها در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تقسیم‌بندی شده‌اند. بحران اجتماعی از این نگاه زمانی به وجود می‌آید که اختلالاتی در جامعه پدید آید که تعادل عمومی، عملکرد بهنجار و معمول حیات اجتماعی را به مخاطره اندازد؛ این بحران نشان از فقدان توانایی سامان‌یابی و تأمین و حفظ نظم اجتماعی است (تاجیک ب، ۱۳۷۹، ص ۳۳). از نظر سطوح بحران نیز بحران‌ها در سه سطح فردی، سازمانی و اجتماعی رُخ می‌دهند؛ از این منظر بحران اجتماعی بحرانی است که در سطح جامعه و در حیطه‌ای فراتر از موضوعات فردی یا سازمانی شکل می‌گیرد و عموم یا افراد زیادی درگیر آن می‌شوند (وردی نژاد و رشتیانی، ۱۳۸۸، ص ۴۵).

بحران‌های اجتماعی همواره علاوه بر غافلگیری مسئولان، هزینه‌های زیادی را تحمیل کرده و چنانچه مسئولان نتوانند به خوبی از عهده کنترل آن برآیند، قابلیت بسیار بالایی برای تبدیل شدن به انواع دیگر بحران‌ها اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را یافته و در مدت زمانی نه چندان طولانی تبعات وخیم‌تری به بار خواهند آورد. از این رو این دسته از بحران‌ها از یک سو به دلیل فراگیری دامنه آنها، پیوند با حیات اجتماعی و زندگی روزمره انسان‌ها و از سوی دیگر به دلیل دارا بودن منشاء انسانی که قابلیت خاص پیش‌نگری را برای آنها ممکن می‌سازد، حائز اهمیت ویژه‌ای هستند و توجه بیشتری را می‌طلبند.

مطالعات انجام گرفته در این خصوص نشان داده است که سازمان‌های فاقد طرح‌های پیش‌نگری و مدیریت بحران، در زمان بحران، دو برابر و نیم سازمان‌های دارای چنین طرح‌هایی زمان صرف کرده‌اند؛ در هنگام بحران، زمان ارزش فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند و صرف چنین زمانی جهت مقابله با بحران، می‌تواند تبعات آن را جبران ناپذیر و غیر قابل بازگشت گرداند. به عبارتی عدم توجه به بازآفرینی نظم، موجب بروز نوعی اختلال و

بی‌نظمی در سیستم بحران زده می‌شود، بنابراین پیش‌نگری بحران‌ها امری ضروری تلقی می‌گردد.

اما مشکل اینجاست که با توجه به پیچیده بودن علل بروز بحران‌های اجتماعی، تاکنون مدل مشخصی به منظور پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی، تدوین نشده و در اختیار پلیس قرار نگرفته است، به همین دلیل هم‌اکنون پلیس در برخی از موارد به جای پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی به منظور پیشگیری از وقوع آنها، درگیر مقابله با نتایج رفتارهای خشونت‌آمیز سیاسی تا فرهنگی اقشار مختلف مردم و مسئولان در سطح خیابان‌ها می‌گردد. این عدم پیش‌بینی شرایط می‌تواند به اتخاذ تصمیماتی منجر گردد که علاوه بر افزایش شدید هزینه‌های سازمانی (منابع انسانی، بودجه و امکانات و...) به وخامت اوضاع بینجامد.

براساس مطالب ذکر شده، پژوهش حاضر قصد دارد با تمرکز بر بحران‌های اجتماعی و به منظور پیش‌نگری آنها به ارائه الگویی پردازد که مبتنی بر آن، اصلی‌ترین سازمان متولی کنترل بحران‌های اجتماعی یعنی پلیس، توانایی پیشگیری از وقوع چنین بحران‌هایی را داشته باشند.

بیان مسئله

هر جامعه یا نظام سیاسی در مسیر تکامل خود با رشته‌ای از حوادث و یا بحران‌ها روبرو می‌گردد، این حوادث ممکن است طبیعی باشند مانند: زلزله، سیل، خشکسالی، آتشفشان و مانند آن؛ یا ممکن است ماهیتی اجتماعی داشته باشد، چون جنگ و بحران اجتماعی اگر یک تمدن بتواند در شرایط بحرانی به بحران پاسخی مقتضی و کافی بدهد و یا از بروز این بحران‌ها پیشگیری کند، نه تنها از خطر دور می‌ماند بلکه گامی هم در جهت تکامل برمی‌دارد و اگر قادر به چنین کاری نباشد، راه قهقرا پیش می‌گیرد (یوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۸۵).

در دهه‌های اخیر در مورد چگونگی شکل‌گیری و اداره بحران‌ها، مطالعات و تحقیقات مختلفی با دیدگاه‌ها و شیوه‌های متفاوتی انجام شده است، برخی از پژوهشگران



تحلیل‌های موردی را مدنظر داشته و عده‌ای دیگر به مطالعه تطبیقی توجه کرده‌اند. میتروف^۱ و همکارانش (۱۹۹۷) این چرخه را تحت عنوان مراحل تکوین بحران در پنج دوره تشخیص، آمادگی، فرونشاندن، بازیابی و یادگیری تقسیم نموده‌اند. مطالعات نشان می‌دهند که برخی سازمان‌ها وجود بحران را نشانه مدیریت نامطلوب می‌دانند (می‌یرز و هلوشا^۲، ۱۹۶۸) و نسبت به آن رویکرد منفعلانه اتخاذ می‌کنند (میتروف و پوچانت^۳، ۱۹۹۲) و برخی دیگر با رویکرد واکنشی در زمان بحران و با ظهور علائم وارد شده و اقدامات مقابله‌ای را بکار می‌گیرند. این گروه از سازمان‌ها در فرایند مدیریت بحران از مراحل پیش‌نگری و پیشگیری غفلت نموده و به نوعی به مراحل بهبود و یادگیری نیز توجه ندارند. در مقابل سازمان‌هایی هستند که بحران را واقعیتی اجتناب‌ناپذیر دانسته و با اتخاذ رویکرد پیش‌فعال علاوه بر توجه به مراحل پیش‌نگری و پیشگیری، اقدامات مقابله‌ای را مدنظر داشته و به مراحل بهبود و یادگیری نیز تأکید نموده و فرایند مدیریت بحران را همراه با سایر متغیرهای اثرگذار مورد توجه قرار می‌دهند، به نظر می‌رسد که با توجه به اهمیت و وسعت عواقب بحران‌های اجتماعی که پیش از این به آنها اشاره شد، در پیش گرفتن سیاستی منفعلانه در مقابل این نوع بحران‌ها می‌تواند عواقب بسیار زیان‌باری را به بار آورد، بنابراین برنامه‌ریزی و شناسایی روندهای اجتماعی که می‌تواند در نهایت به این نوع از بحران‌ها منجر شود، به جهت پیش‌نگری بروز بحران‌های اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

اهداف پلیس در تأمین نظم و امنیت عمومی نیز با رویکرد پیش‌فعال نسبت به مقوله بحران محقق می‌گردد و بایستی فرایند کلی مدیریت بحران و به خصوص مرحله پیش‌نگری و به دنبال آن پیشگیری مورد توجه قرار گیرد، چنین توجهی ضمن کاهش هزینه‌های مقابله با بحران، اثرات مخرب آن را کنترل می‌کند.

این نیز واقعیتی است که هیچ بحرانی شبیه به بحران‌های دیگر نیست، اما تشابهات چشمگیری بین آنها وجود دارد. کشف و درک این تشابهات کلیدی، جهت برنامه‌ریزی



برای رویارویی با بحران و تخفیف اثرات سوء آن ضروری است. هرگز نباید از شناسایی بحران‌هایی بالقوه فارغ شد. بحران‌هایی که از منشأهایی مشابه رُخ می‌دهند، می‌توانند سرنخ‌های جدیدی برای تکمیل برنامه‌ریزی بحران در ابعاد ناشناخته قبلی به‌دست آورد.

بدون شک فرماندهان و مدیرانی که درصدد تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی هستند چنانچه خلاق و مبتکر باشند می‌توانند شرایط بالقوه بحران‌ها را تصور و جزئیات پیچیده آن را ترسیم کنند. سرعت و شتاب تغییرات سبب می‌شود ابعاد و گستره بحران‌های موجود حتی در زمینه‌های مشابه، تفاوت‌های چشمگیری داشته باشند، اما همین تغییرات شگرف و رشد و توسعه چشمگیر، امکانات جدیدی را برای تصویر آینده و پیش‌نگری شرایطی که در هیچ آزمایشگاهی قابل بازسازی نیست فراهم ساخته است. بنابراین آنچه که در این تحقیق بیشتر مدنظر است ارائه الگویی است که به وسیله آن بتوان وقوع یک بحران اجتماعی را پیش‌نگری کرد تا در این راستا قبل از حدوث بحران، اقدامات لازم را انجام داد. تا حتی الامکان از وقوع آن جلوگیری کرد و یا با برنامه‌ریزی اقدامات مناسب از شدت تبعات آن کاست.

سؤال‌های تحقیق

سؤال‌های این پژوهش که با پاسخ‌گویی به آنها به دنبال دستیابی به الگوی پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی می‌باشیم، عبارتند از:

۱. عوامل مؤثر بر پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی در کشور چیست؟
۲. عوامل تشدیدکننده بحران‌های اجتماعی در کشور کدامند؟
۳. الگوی مناسب پیش‌نگری بحران اجتماعی در ایران برای پلیس چیست؟



چارچوب نظری تحقیق

بحران

از نظر تاریخی، واژه بحران را نخستین بار جرالند کاپلان^۱ (۱۹۶۱، ص ۲۹۳) به عنوان اصطلاحی ویژه در روان‌پزشکی برای توصیف حالت‌های روانی افراد پس از وقوع آتش‌سوزی در یک باشگاه شبانه در بوستون به کار برد او عنوان کرد: هنگامی که افراد در برابر اهداف مهم یا مانعی روبرو شوند که نتوانند از روش‌های معمول حل مسئله استفاده کنند، در موقعیت بحران قرار می‌گیرند. به لحاظ مفهومی، بحران خود یک مفهوم بحران‌زا و بحران‌زی است. اگرچه تاریخ جوامع بشری، روایتی مستمر و بلاانقطاع از بازی بحران‌ها است، اما تاکنون گفتمان و ادبیات واحد شفافی پیرامون آن شکل نگرفته است (باترا^۲، ۱۳۶۸).

از نظر لغوی واژه بحران، به عنوان فشار، اضطراب، فاجعه، بلا، خشونت یا خشونت اجتماعی به کار می‌رود. فرهنگ لغات وبستر^۳، بحران را نقطه عطف بهتر بودن یا بدتر بودن معنا کرده است. پیام روشن مطلب این است که بحران یک وضعیتی است که می‌تواند خوب یا بد باشد (کلانتا^۴، ۱۳۸۰، ص ۳).

تعریف ناآرامی‌های (بحران‌های) اجتماعی

هرگاه در دل جامعه، اختلالاتی پدید آید که عملکرد بهنجار و معمولی حیات اجتماعی را به مخاطره افکند، سخن از این نوع بحران است. اگر بحران اجتماعی فقط جزئی از جامعه را فراگیرد و یا با مسائل خاصی مرتبط شود، جزئی خوانده می‌شوند و زمانی بحران اجتماعی عمومی خواهد بود که مجموع ساخت‌ها و نهاد‌های یک جامعه، به جهت عدم انطباق آن با انتظارات موجود در جهت پیشروی جامعه جدید و مترقی، موجب نابسامانی عمومی و فراگیر در جامعه گشته و پیدایی دگرگونی‌های اجتماعی بسیاری را قابل پیش‌بینی سازد (زینالی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۲).

1. Capllan
2. batra
3. Webster
4. Klanta



با وجود این، همه ناآرامی‌های اجتماعی را نمی‌توان با منافع حکومت در تضاد نمایان دید. معمولاً ناآرامی‌های اجتماعی شهری به دو صورت برنامه‌ریزی شده و فاقد برنامه‌ریزی است که نمونه دوم به دلیل عدم به کارگیری بدیل‌های سیاسی، فقط تخریب و ناامنی منطقه‌ای وسیعی را به دنبال دارد، اما ناآرامی‌های برنامه‌ریزی شده دارای نکته‌های ظریفی هستند که نمی‌توان به راحتی از کنار آنها گذر نمود (حسینی و جدی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲).

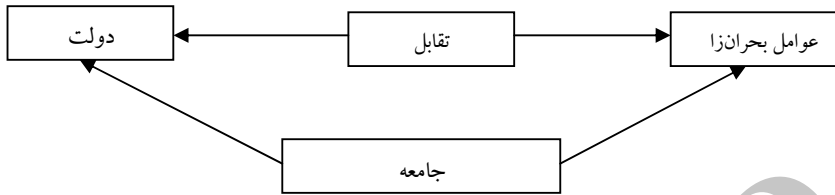
مدل‌های شکل‌گیری ناآرامی‌های اجتماعی

ناآرامی‌های اجتماعی با هر ماهیتی می‌توانند تأثیرهای مهمی بر امنیت داشته باشند. تعداد ناآرامی‌های اجتماعی به عنوان نوعی بی‌ثباتی سیاسی در جامعه تلقی شده، ضمن اینکه ناآرامی‌های به وقوع پیوسته حتی به صورت محدود نیز می‌تواند با به چالش کشیدن قدرت انحصاری در اختیار دولت و اختلال در فرایند عادی جامعه، پیامدهای امنیتی مهمی را بر جای گذارند. بحران‌های داخلی می‌توانند با بسیج توده‌ای، ضربه‌ای مهلک را بر مشروعیت و اقتدار یک نظام سیاسی وارد کرده و دولت را در تداوم عملکرد خود با مشکل‌های اساسی روبرو نمایند.

در ادامه، مدل‌های شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است، لازم به ذکر است که بحران‌های اجتماعی در این مدل‌ها به ترتیب از ابتدا تا انتها از پیچیدگی بیشتری برخوردار می‌باشند و در مدل آخر (مدل پنجم) یک ناآرامی اجتماعی به جهت تأثیر گذاری متغیرهای بیشتر در آن، از بیشترین پیچیدگی برخوردار است.

مدل اول

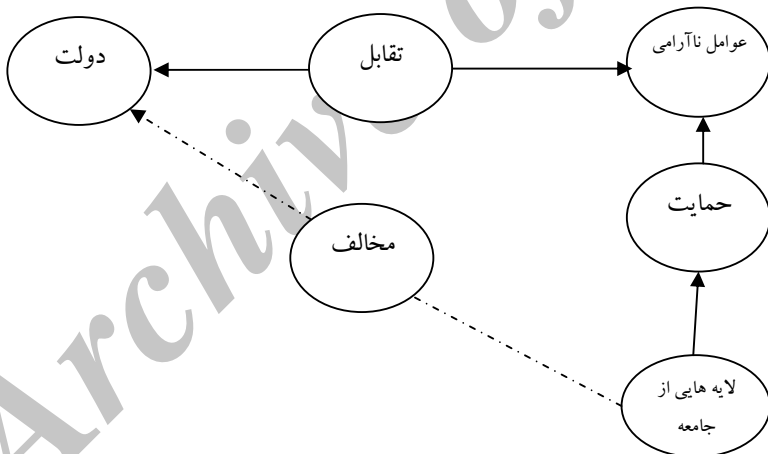
این مدل بیانگر تقابل عوامل بحران‌زا با دولت بوده، در حالی که لایه‌های دیگر جامعه بدون پیوند با هریک از این دو بازیگر، تنها نقش نظاره‌گر را دارا می‌باشند، هیچ پیوندی چه در جهت حمایت و چه مخالفت در جامعه مشاهده نشده و فقط تقابل این دو بازیگر تصور می‌باشد.



نمودار ۱. مدل اول وقوع بحران‌های اجتماعی (حسینی و جدی، ۱۳۸۴، ص ۸)

مدل دوم

این مدل بیانگر آن است که در بحران ناشی از تقابل دولت و عوامل بحران‌زا، بخش‌های دیگر جامعه در حمایت از عوامل بحران‌زا و مخالف با دولت قرار داشته و زمینه تأثیرگذاری آنان به شرح زیر است:

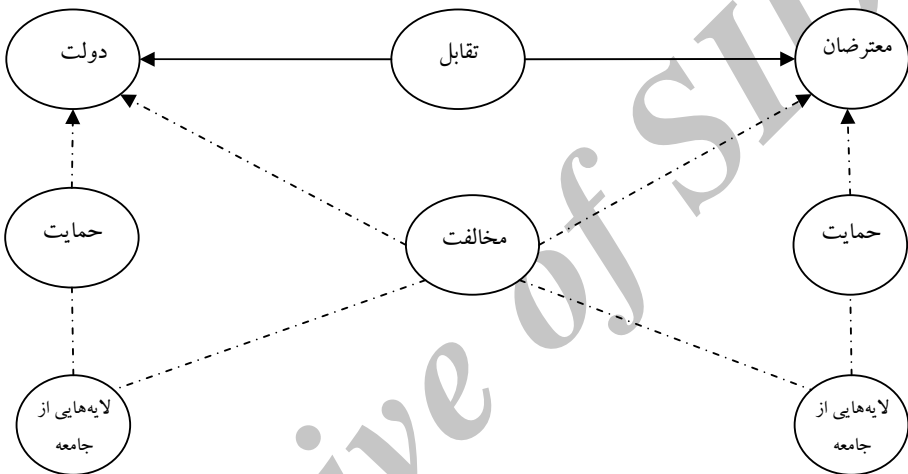


نمودار ۲. مدل دوم وقوع بحران‌های اجتماعی (همان منبع، ص ۹)



مدل سوم

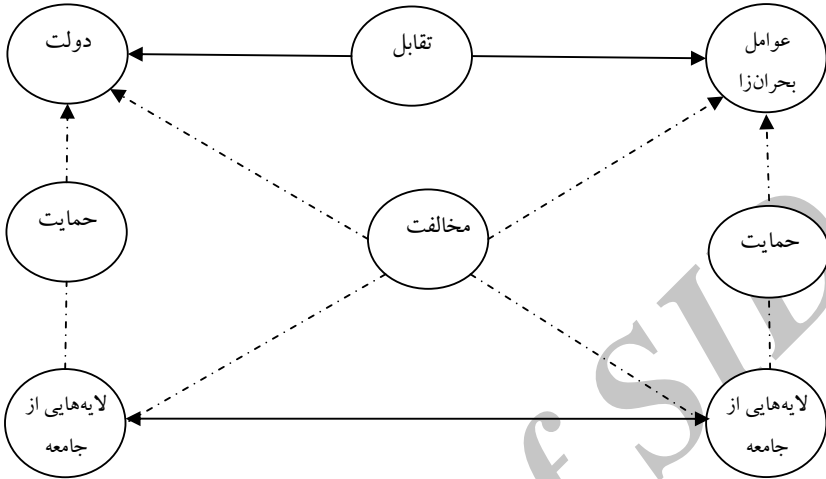
در این مدل می‌توان سایر بخش‌های جامعه را به دودسته بازیگر دیگر تقسیم نمود که در آن بخشی از جامعه در حمایت از معترضان و مخالفت با دولت عمل کرده و بخش دیگر در حمایت از دولت و مخالفت با سایر معترضان عمل نماید.



نمودار ۳. مدل سوم وقوع بحران‌های اجتماعی (همان منبع، ص ۹)

مدل چهارم

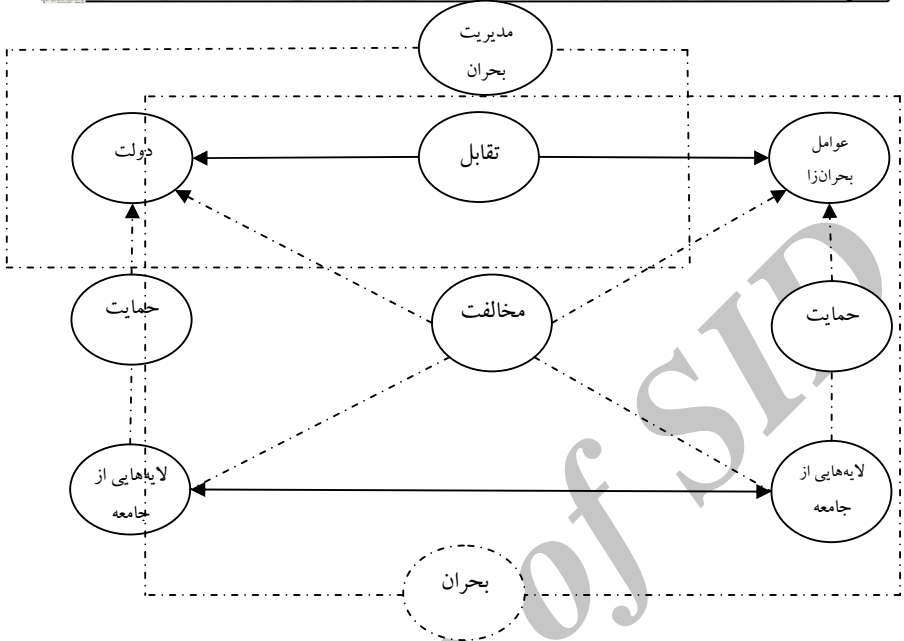
در صورتی که لایه‌های حمایتگر در تقابل با یکدیگر نیز عمل کنند، می‌توان شاهد مدل دیگری از بحران ترکیبی مطابق شکل زیر بود. این شکل، یکی از پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین مدل‌های ممکن در وقوع ناآرامی را برای سیستم مدیریت بحران فراهم می‌نماید زیرا بازیگران و نوع بازی آنها می‌تواند بسیار گسترده و خطرناک شده و در نهایت به قطبی شدن بحران در جامعه تبدیل شود.



نمودار ۴. مدل چهارم وقوع بحران‌های اجتماعی (همان منبع، ص ۱۰)

مدل پنجم

در این مدل سیستم مدیریت بحران که در مجموعه دولت قرار می‌گیرد به نوعی خود در درون بحران قرار گرفته و به هر میزان که در شعاع بیشتر صدمات ناشی قرار گیرد به همان میزان بر آسیب‌پذیری این مدیریت افزوده می‌شود.



نمودار ۵. مدل پنجم وقوع بحران‌های اجتماعی (همان منبع، ص ۱۱)

تعریف پیش‌نگری

پیش‌نگری فعالیتی روشمند و عبارت است از: «ارزشیابی یک روند با درجه‌ای از اطمینان (احتمال) در طول یک دوره خاص». یک مبنای مهم در پیش‌نگری بسط دادن تحولات گذشته بر آینده با استفاده از برخی فرض‌های خاص برای تداوم یا تغییر روندها است. به بیان دیگر هدف از پیش‌نگری، محاسبه و بیان روشن برخی از رویدادها در شرایط آتی است تا نظام مدیریت سیستم بتواند شرایط آینده را به خوبی درک نموده و برای مشکلات آینده برنامه‌ریزی کند (ناطق‌الهی، ۱۳۷۸).

پیش‌نگری بحران

نگرش سنتی به مدیریت بحران، بر این باور بود که مدیریت بحران یعنی فرونشاندن آتش؛ به این معنی که مدیران بحران در انتظار خراب شدن امور می‌نشینند و پس از بروز ویرانی، سعی می‌کنند تا ضرر ناشی از خرابی‌ها را محدود سازند.



ولی مدتی است که نگرش به این واژه عوض شده است، بر اساس معنای اخیر، همواره باید مجموعه‌ای از طرح‌ها و برنامه‌های عملی برای مواجهه با تحولات احتمالی آینده در داخل سازمان‌های مسئول تنظیم شود و مدیران باید درباره اتفاقات احتمالی آینده بیندیشند و بر آمادگی رویارویی با وقایع و پیش‌نگری آن دسته از بحران‌هایی که می‌توان از قبل تحرکات و علایم بروز آن را مشاهده کرد، تأکید دارد.

از دیدگاه تدبیر بحران، آینده‌سازی همواره همراهی نزدیکی با آینده شناسی داشته و این دو در صدد بهره‌جویی بهینه از توان علوم گوناگون تجربی و روش‌های عقلایی در جهت واقعیت بخشی، پیش‌نگری و تصدیق و کنترل بوده‌اند. امروزه پیش‌نگری، نقش تعیین‌کننده‌ای را در فرایند برنامه‌ریزی در عرصه‌های گوناگون مدیریتی، تجارت، مطالعات راهبردی، مسائل امنیتی و به خصوص مدیریت بحران دارد. پیچیدگی مسائل اجتماعی-سیاسی، ما را وادار می‌سازد که همچنان که در فیزیک مرسوم است به استفاده از راه‌حل‌های تقریبی روی آوریم. این واقعیت که در حوزه فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی با رقیبی از نوع بشر و بنی آدم سرو کار داریم به ما امکان می‌دهد که به عنوان اولین رقیب از این فرضیه استفاده کنیم که رفتار آینده افراد مقابل ما رفتاری معقول و مطابق با موازین عقلی خواهد بود (تاجیک، ۱۳۸۴).

روش شناسی تحقیق

این پژوهش از حیث زمانی، مقطعی، از حیث هدف، کاربردی و از حیث روش، توصیفی بوده و از نظر روش‌های ترکیبی^۱ برای جمع‌آوری داده‌ها و از حیث اقدام، پژوهشی اکتشافی محسوب می‌شود.



جامعه و نمونه آماری تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شامل تعداد ۹۰ نفر از مدیران، متولیان و خبرگان انتظامی کشور است که برحسب شرایط شغلی یا تجربیات عملی و یا انجام تحقیقات و مطالعات مرتبط با موضوع تحقیق، توانایی لازم برای پاسخگویی به سؤالات محقق را داشته‌اند، تشکیل می‌دهد که از میان آنها تعداد ۳۲ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه مورد پرسش قرار گرفتند، اگرچه از ابتدا قصد بر این بود که تعداد نمونه‌ها بیشتر باشند اما در ادامه مصاحبه‌ها، این نتیجه دست داد که افزایش تعداد افراد، دانسته جدیدی را اضافه نمی‌نماید، لذا به استناد اصل اشباع به تعداد ۳۲ نفر اکتفا شد.

روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به شیوه‌های زیر صورت گرفته است:

الف- از روش اسنادی یا کتابخانه‌ای و به کمک ابزار فیش‌برداری، به منظور بررسی ادبیات تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات موجود و تحقیقات انجام شده؛
ب- از روش دلفی^۱ و فیش‌باول^۲ به منظور تأمین اطلاعات مورد نیاز و اخذ نظر خبرگان جهت ارائه الگو؛

ج- از روش پیمایشی یا میدانی و به کمک ابزار پرسشنامه به منظور تأمین اطلاعات مورد نیاز. ابزار اصلی این تحقیق، پرسشنامه‌های نیمه باز است که با استفاده از فن دلفی اجرا شد، بر حسب ضرورت، از ابزار مصاحبه‌های نیمه باز به فن فیش‌باول نیز استفاده شده است.

¹ Delphi Technique

² Fishbowl



روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از نرم افزار SPSS استفاده شده و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کمی از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانه و...) و همچنین از روش مقایسه‌ای به منظور تعیین یافته‌های کیفی بهره گرفته شده است.

قلمرو تحقیق

◀ قلمرو زمانی تحقیق: این پژوهش در قلمرو زمانی سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ انجام گرفته است.

◀ قلمرو مکانی تحقیق: از حیث جغرافیایی محدود به کشور ایران (شهر تهران) و از حیث ساختار، در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران متمرکز است.

تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناسی پاسخ‌دهندگان

اگر به طور کلی و مبتنی بر یافته‌های پژوهش به جدول زیر توجه کنیم به سهولت در می‌یابیم که افراد انتخاب شده، دارای صلاحیت علمی و تجربی برای شرکت در این مطالعه، می‌باشند.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

تحصیلات	درصد	سن	درصد	سن خدمتی	درصد	ارتباط شغل با موضوع	درصد
کاردانی و کارشناسی	۴۳/۷۴	۲۶ تا ۳۶	۳/۱۳	۱۰ تا ۲۰	۶/۲۵	بلی	۹۰/۶۲۵
کارشناسی ارشد	۵۳/۱۲	۳۷ تا ۴۶	۳۷/۵	۲۱ تا ۳۰	۸۷/۵	خیر	۶/۲۵
دکتری	۳/۱۲	۴۷ تا ۵۶	۵۹/۳۷	۳۱ تا ۴۰	۶/۲۵	بدون پاسخ	۳/۱۲۵
کل	۱۰۰/۰	کل	۱۰۰/۰	کل	۱۰۰	کل	۱۰۰/۰



یافته‌های تحقیق و پاسخ به سؤالات

سؤال اول پژوهش: عوامل موثر بر پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی در کشور کدامند؟
 نتایج تحقیق حاضر با توجه به ابعاد مورد بررسی‌اش، با یافته‌های مطالعات (مک کین و لیتل، ۱۳۸۰؛ ماندل، ۱۳۷۷؛ عصاریان نژاد، ۱۳۸۲؛ مرادیان، ۱۳۸۵؛ بوزان، ۱۹۸۳؛ ویلکن، ۱۳۸۱؛ حدادی، ۱۳۸۴؛ میلر و هس، ۱۳۸۲) و تأکیدات امام خمینی (ره) همخوانی دارد.

یافته‌ها نشان داد برای تعیین عوامل مؤثر بر پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی ضرورت دارد تا جنس ثبات اجتماعی مشخص شود. اکثر قریب به اتفاق مخاطبان اعتقاد داشتند؛ جنس ثبات اجتماعی را می‌توان از طریق تعیین جنس و ماهیت ثبات اجتماعی تعیین نمود.

جدول ۳. فهرست انواع تلقی نسبت به ثبات اجتماعی

رویکردها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
فراوانی	۱۳	۱۱	۱۱	۴	۴	۴	۶	۷	۸	۹	۱۱	۱۱	۱۳
درصد	۱۵/۸۵	۱۳/۴۱	۱۳/۴۱	۴/۸۸	۴/۸۸	۴/۸۸	۷/۳۲	۸/۵۴	۹/۷۶	۱۰/۹۸	۱۳/۴۱	۱۳/۴۱	۱۵/۸۵

همانگونه که از جدول فوق استنباط می‌گردد، بیشترین تلقی نسبت به ماهیت ثبات اجتماعی، مربوط به دیدگاه چندوجهی است، دیدگاهی که در آن باور بر این است که آرامش جامعه از مؤلفه‌های اقتصادی، محیط زیست و منابع، اجتماعی- فرهنگی و سیاسی تشکیل شده و تأمین حداقل این مؤلفه‌های چهارگانه، باعث تأمین امنیت و آرامش و ثبات می‌شود. به دیگر سخن، نابسامانی یا عدم مدیریت در این حوزه‌ها، باعث ایجاد مسائل حل نشدنی می‌شود و بالطبع جامعه همواره آماده بروز بحران اجتماعی می‌باشد؛ در نگاهی دیگر، ماهیت چندوجهی ثبات اجتماعی عبارتست از: احساس امنیت روانی، فکری، اقتصادی، جانی، حیثیتی و قضایی؛ از سوی دیگر، دیدگاه خاص‌گرا به ثبات اجتماعی،



کمترین فراوانی را دارد. دیدگاهی که در آن برای تخصیص و محدود کردن حوزه امنیت و ثبات و تفکیک آن از سایر گونه‌های امنیت تلاش می‌شود.

نتیجه نهایی اینکه نگرش و برداشت مردم و مسئولان به امنیت و ثبات اجتماعی تابعی از موارد و موضوعات متنوعی است که ضرورت دارد به‌طور دائم توسط سازمان پیش‌نگر رصد شوند.

جدول ۴. خلاصه نتایج مربوط به طیف پاسخگویی به انواع طرز تلقی نسبت به ماهیت امنیت

عمومی	
ذهنی (۵۵ درصد)	عینی (۴۵ درصد)
نرم‌افزاری (۶۶/۷ درصد)	سخت‌افزاری (۳۳/۳ درصد)
عام‌گرا (۶۶/۷ درصد)	(درصد)
سلبی (۶۳/۶۴ درصد)	خاص‌گرایی (۳۳/۳ درصد)
امنیت‌فرایندی درونزاد	(درصد)
(۶۴/۷۱ درصد)	ایجابی (۳۶/۳۶ درصد)
چند وجهی (۸۱/۲۵ درصد)	امنیت‌فرایندی برونزاد
	(۳۵/۲۹ درصد)
	آینده‌نگر (۱۸/۷۵ درصد)

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول بالا که شاخص‌های آن با استفاده از نظر خبرگان استخراج شده است، طرز تلقی بر این است که بیشترین امنیت و آرامش اجتماعی زمانی برقرار می‌شود که حل مسئله مبتنی بر گفت‌وگو بوده و طیف کلی مفهوم امنیت و آرامش اجتماعی را نیز شامل شود (دیدگاه عام‌گرا و نرم‌افزاری). این یافته در برابر دیدگاه سلبی قرار می‌گیرد که در مرتبه سوم یافته‌ها می‌باشد و این افراد معتقدند، عدم وجود ترس، اجبار و خطر خارجی یا رفع نیازمندی‌های اجتماعی و یا ترکیبی از عوامل که آن را رسالت دولت می‌دانند، می‌تواند تأمین‌کننده مفهوم امنیت و آرامش اجتماعی باشد.

در تبیین این بخش از یافته‌ها می‌توان گفت: این یافته ترجمان تأکیدات امام خمینی

(ره) است مبنی بر «وام‌داری» دولت به ملت، ضرورت رعایت جایگاه والای مردم، احتراز

از تعرض به حقوق مردم، پرهیز از رفتارهای متکبرانه، عدم تصرف حوزه‌های فعالیت مردم توسط قدرت و... این عبارت حکایت از آن دارد که تحصیل «امنیت عمومی» بدون پردازش یک نظریه معقول و مناسب توسط «دولت» ممکن نیست (مک کین و لیتل، ۱۳۸۰، صص ۱۵۳-۱۶۹).

همان طور که مشاهده می‌شود، در بین دوازده نوع طرز تلقی متفاوت از ماهیت امنیت و ثبات اجتماعی، بیشترین تلقی نسبت به ماهیت امنیت عمومی، مربوط به دیدگاه چندوجهی است. یعنی، امنیت عمومی شامل چهار مؤلفه اقتصادی، محیط زیست و منابع طبیعی، اجتماعی- فرهنگی و سیاسی است. این برداشت از ماهیت امنیت عمومی مطابق نظر بوث^۱ است که این گونه استدلال می‌کند که فراگرد جنگ، اکنون در حال تبدیل شدن به یک پدیده فرهنگی است تا یک پدیده سیاسی- نظامی. زیرا نقش عناصر غیرنظامی راهبرد دفاعی در حال افزایش بوده و شاخه‌های دیگر حکومت مربوط به سیاست، اقتصاد و حتی منابع طبیعی که پیش از این در حاشیه قرار داشتند، اکنون نقش بیشتری در این صحنه یافته‌اند. به موازات گران تر شدن سیستم‌های پیچیده تسلیحاتی، بسیاری از جوامع، منابعی را که قبلاً به امور نظامی اختصاص می‌دادند، اکنون به رشد اقتصادی اختصاص می‌دهند (همان منبع، ص ۵۹).

در خصوص بُعد آینده نگری نیز باید گفت؛ «شبکه در هم تنیده بین ابعاد مختلف امنیت است که درک آن را دشوار می‌سازد» (تریف^۲ و همکاران، ۱۹۹۹، صص ۶۴-۶۳). چنان که «تری تریف» و همکارانش اظهار داشته‌اند، از جمله ویژگی‌های بارز امنیت در جوامع معاصر، پیچیدگی ناشی از تعدد ابعاد و تنوع ارتباطات آن‌ها با مقولات و پدیده‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ارتباطاتی و... می‌باشد که آن را به موضوعی با حساسیت بالا تبدیل ساخته است. به همین دلیل می‌باشد که «پلیس» به عنوان نهاد محوری در مقام مدیریت امنیت عمومی در آینده با فلسفه وجودی، ساختار سازمانی، شرح مأموریتی، کادر انسانی و ابزار مدیریتی بسیار متفاوتی با آنچه که امروزه شناسانده می‌شود،

1. Booth
2. Terriff



تعریف و وجود می‌یابد. معنای این سخن آن است که به دلیل تحول رخ داده در انسان، جامعه، مناسبات اجتماعی و حتی محیط پیرامونی کشورها، دیگر نمی‌توان با تلقی‌ها و روش‌های قبلی به مدیریت امنیت عمومی در جوامع امروزی همت گمارد و به تعبیر «کارن ام. هس»^۱ و «لیندا میلر»^۲ زمان آن فرارسیده که تلقی تازه‌ای از «امنیت عمومی» در دستور کار پلیس قرار گیرد؛ تا بدین ترتیب بر امواج ناامنی در آینده غلبه یابیم. در غیر این صورت دچار تنگناهای امنیتی‌ای خواهیم شد که خروج از آن‌ها علی‌رغم کارآمدی نهادهای سنتی متولی تأمین امنیت عمومی، به سادگی میسر نخواهد بود (میلر و هس، ۱۳۸۲، صص ۴۳-۶).

سؤال دوم پژوهش: عوامل تشدید کننده بحران‌های اجتماعی در کشور کدامند؟

نتایج بدست آمده در این سؤال پژوهش، با یافته‌های مطالعات (بیات، ۱۳۸۷؛ ویور، ۱۹۹۳؛ مک کین و لیتل، ۱۳۸۰؛ ره پیک، ۱۳۸۵؛ هزارجریبی و بلندیان، ۱۳۸۶؛ هندیانی، ۱۳۸۲؛ کاشانی، ۱۳۸۴؛ رازانی، ۱۳۸۵؛ مؤذن جامی، ۱۳۸۴؛ عیوضی، ۱۳۸۰؛ حیدری، ۱۳۸۴) هم‌خوانی دارد. در ادامه ضمن تشریح ابعاد همسویی با مطالعات اشاره شده، به تبیین یافته‌های به دست آمده پرداخته شده است.

همان گونه که در یافته‌ها ملاحظه می‌شود، ۳۱ عامل به عنوان عوامل ارتقاء دهنده امنیت اجتماعی لحاظ شده که در بین آنها، افزایش سطح رفاه جامعه (۹/۶۰ درصد)، گسترش عدالت اجتماعی (۸/۴۷ درصد) و وجود یا ایجاد قانونی به منظور تأمین منافع تمام افراد به جای تأمین منافع گروه یا گروه‌های خاص (۷/۳۴ درصد) در مراتب اول تا سوم و قاطعیت در اعمال قوانین قضایی، ارتقاء سطح دینداری و جوهره دینی در بین مردم، حل معضلات اقتصادی مردم، راهکارهای ایجاد تعلق و وفاداری و حفظ استقلال کشور با ۰/۵۶ درصد در مرتبه آخر عوامل قرار دارند.

یافته‌های پژوهش، مطابق نظر بیات (۱۳۸۷، ص ۲۵) است که می‌گوید: طی سه دهه اخیر مفهوم امنیت و امنیت ملی دستخوش تحولاتی شد، در این تحولات، ابعاد مربوط به



تهدید نظامی و قدرت ارتش‌ها در تأمین امنیت ملی، کم‌رنگ‌تر از گذشته شد و ابعاد مربوط به توانمندی‌های اقتصادی، تکنولوژیکی، فرهنگی، میزان مشارکت مردم در ساختار سیاسی، استحکام نظام حکومتی و میزان تقابل منطقه‌ای و بین‌المللی آن با سایر کشورها نقش محوری‌تری یافته است.

براساس میانی مذکور، متفکران سیاسی، اجتماعی و امنیتی مقوله‌های مربوط به توسعه و توان ملی را جزء مفهوم امنیت ملی برشمردند، تا آنجا که عالمان معاصر اظهار داشتند در وضع کنونی جهان، امنیت از توسعه سرچشمه می‌گیرد و حد و شاخص توسعه، حد و شاخص امنیت ملی است.

بخشی از این یافته‌ها با دیدگاه ویور^۱ (۱۹۹۳، ص ۲۵) همخوان می‌باشد که معتقد است، امنیت نسبت نزدیکی با مفهوم «هویت» دارد. در این رابطه جوامع، زمانی از امنیت اجتماعی برخوردارند که هویت آن جامعه مورد تهدید واقع نشود. منظور از تهدید هویت جامعه تهدیدی است که بقای جامعه را دچار مشکل سازد.

به عبارت دیگر زمانی امنیت اجتماعی تهدید می‌شود که «ما»ی یک جامعه مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد. بر این اساس، این مفهوم از امنیت، لزوماً در مفهوم هویت و امنیت ملی خلاصه نمی‌شود، هر چند شامل این نوع از امنیت نیز می‌گردد. ویور معتقد است امنیت اجتماعی پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، اجتماع، آداب و هویت مذهبی و ملی در درون یک شرایط مورد قبول برای رشد و پیشرفت است (واتسون،^۲ ۲۰۰۵، ص ۹).

منظور از امنیت اجتماعی، تداوم پایدار هویت، منافع، مزیت اجتماعی گروه‌های اجتماعی یک جامعه و راهکارهای حل کشمکش‌های اجتماعی موجود، سر مقوله اصلی در چارچوب فرهنگ هر جامعه است. پس در تکمیل این تعریف باید اشاره نمود که «کشمکش اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که دو یا چند گروه، باور خود را مبنی بر این که دارای اهداف ناسازگاری با یکدیگر هستند آشکار نمایند» (کریس برگ، ۱۳۸۶، ص ۲۲).



امنیت عمومی ناظر بر تولید و حفظ شرایطی است که در آن، منافع حقوق افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی تأمین می‌گردد. وجوه امنیت عبارتند از: سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی (فردی، جمعی)، قضایی و منشأ بروز تهدید، درون واحد ملی و حوزه تحلیل محیط ملی و واحد تحلیل نیز جامعه، گروه‌ها و نیروهای مؤثر اجتماعی می‌باشند (رازانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

در جامعه اسلامی ایران مفاهیمی نظیر دین و فرهنگ، نقش محوری در تحکیم امنیت عمومی تأثیر دارند. در اندیشه دینی، انسان به عنوان عنصر تکامل دهنده تنها موجودی است که در مرکز جهان قرار دارد و از همین روست که تنها او خلیفه خداوند است. انسان دارای چنان قدرتی است که می‌تواند بر همه مخلوقات دیگر سلطه پیدا کند، اما مسئولیت هم دارد که از همه مخلوقات مراقبت نماید (عیوضی، ۱۳۸۰، ص ۵۸).

تأملی در خصوص تهدیدها و آسیب‌های امنیتی و ضرورت گذر از آنها و همچنین نگاهی به نابسامانی‌های اجتماعی و آسیب‌های امنیتی و پیامدهای برون‌زای آنها می‌تواند عوامل مؤثر بر امنیت عمومی و ثبات اجتماعی را رقم بزنند که به شرح زیر احصاء می‌گردد:

تبعیض و بی‌عدالتی و نابرابری‌های اقتصادی، انفجار جمعیت، نابرابری‌های رشد جمعیت، کمبود مواد غذایی، بیکاری، رواج شهرنشینی، حاشیه‌نشینی (زاغه و قصبه نشینی)، آلونک نشینی (چادر و کپرنشینی)، کمبود و گرانی مسکن (بحران مسکن)، فقدان امکانات لازم جهت تشکیل خانواده، تمرکز و انباشت سرمایه و ثروت، مصرف گرایی، افزایش قیمت‌ها و تورم، کارتن خوابی یا خیابان خوابی، قوم گرایی (اقلیت‌های قومی و اختلافات مذهبی)، مهاجرت، تضادهای طبقاتی، بحران‌های بین‌المللی، جهانی سازی یا جهان گرایی، منطقه گرایی، تمرکز گرایی، خشونت‌های نژادی (نژادپرستی) و بیگانه ستیزی، خصوصی سازی، سلطه ماشین بر زندگی انسان، دیوان‌سالاری، تروریسم، فتنه و آشوب، جنگ و رویارویی تمدن‌ها، وابستگی اقتصادی و سلطه اقتصادی، مدرنیسم و سکولاریسم، فقدان آزادی، از خود بیگانگی، هنجارشکنی، بحران اخلاقی، تهاجم فرهنگی، دوستی‌های خیابانی، گسترش و شیوع مصرف موارد روان گردان، وندالیسم (تخریب‌گری)، اعتیاد به

مواد مخدر، قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا و قاچاق آثار و مفاخر علمی و فرهنگی، قاچاق زنان (بردگی جنسی)، روسپیگری و بی‌مبالاتی جنسی، گسترش ایدز، فرار از خانه (معزل دختران فراری)، افزایش سن ازدواج (تجرد گرایی)، طلاق و اختلافات خانوادگی، بزهکاری، کودکان و نوجوانان خیابانی، شرارت، پرخاشگری و جنایت، اعمال مجرمانه، سرقت، جرایم مربوط به وسایل نقلیه، جرایم مالی - اقتصادی (رانت خواری، کلاهبرداری، اختلاس، رشوه و ارتشاء و...)، جرایم رایانه‌ای، مدرک گرایی، فرار مغزها، عوام‌فریبی، خودکشی، خشونت‌های خانوادگی (همسر آزاری و کودک آزاری)، تکدی‌گری، حوادث طبیعی، استقراض دولت و آلودگی محیط زیست.

حیطه‌های تولیدکننده امنیت و ثبات اجتماعی به ترتیب شامل حیطه‌های فرهنگی - آموزشی (۲۷/۷۰ درصد)، اقتصادی (۱۹/۵۹ درصد)، انتظامی (۱۸/۰۹ درصد)، حقوقی - قضایی (۱۷/۵۷ درصد)، اجتماعی (۱۰/۸۱ درصد) و سیاسی (۵/۴۱ درصد) است. این یافته‌ها تا حدی مطابق با نظر بوزان است که امنیت اجتماعات بشری را به پنج مقوله نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم می‌کند.

پاسخ به سؤال سوم: الگوی بهینه پیش‌نگری بحران اجتماعی در ایران برای پلیس

چیست؟

نتایج این تحقیق نشان داد که مؤلفه‌های؛ موضوعات، افراد، زمان و جغرافیا عوامل تاثیرگذار بر پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی می‌باشند، نتایج این مطالعه با مطالعات گرهارد مازور، ۱۳۶۷؛ اش و راس، ۲۰۰۴؛ حسینی، ۱۳۸۷؛ جانیس، ۱۹۸۹؛ تاجیک، ۱۳۷۹؛ باترا، ۱۳۶۸ و میتراف، ۱۹۹۲ در خصوص زمان و با نظرات؛ تافلر، ۱۳۸۶؛ گرهارد مازور، ۱۳۶۷؛ حسینی، ۱۳۸۶؛ وردی نژاد و رشتیانی، ۱۳۸۸؛ تاجیک، ۱۳۷۹؛ هیلکس، ۱۳۷۷؛ رابرت گر، ۱۳۷۹؛ پای، ۱۳۸۰ و تاجیک ۱۳۸۴ در خصوص موضوعات و با نظرات؛ ویتزل و جانسون، ۱۹۸۹؛ وردی نژاد و رشتیانی، ۱۳۸۸؛ روزنتال و هارت، ۱۳۸۱؛ می‌ریز و هلوشا، ۱۹۶۸؛ تاجیک، ۱۳۷۹؛ میتراف، ۱۹۹۷؛ وندرل،^۱ ۲۰۰۱؛ الوانی، ۱۳۷۲ و قاسمی، ۱۳۸۷ در



خصوص افراد حقیقی و حقوقی و با نظرات؛ می‌تراف، ۱۹۹۷؛ آندرو، ۱۹۹۲؛ حسینی، ۱۳۸۷؛ جانیس، ۱۸۹۸؛ فینک، ۱۹۸۶؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۷؛ وفادار، ۱۳۸۸؛ رستم‌وند، ۱۳۸۵، کاظمی، ۱۳۶۶، در خصوص جغرافیا هم‌خوانی دارد.

آنچه مسلم است، بحران‌های اجتماعی عمدتاً نیروی خود را از کاستی‌ها، شکاف‌های طبقاتی و میل جمعی به پیشرفت و رفاه کسب می‌کنند.

اگرچه هر یک از موارد ذکر شده به تنهایی مهم هستند، ولی شرایط زمانی و به ویژه بودجه و توان سازمانی تعیین کننده سطح یگان اقدام کننده می‌باشد. جمع بندی نظرات خبرگان، حکایت از آن دارد که:

۱) در شرایط عادی، پلیس بایستی کلیه موضوعات مهم و اثرگذار را بطور دائم و بر حسب تغییرات روند آنها، مورد توجه قرار داده و هر نوع افزایش، کاهش یا ثبات را به طور دائم تحلیل کند.

این اقدام دو نتیجه در پی دارد:

اول: به مسئولان هشدار می‌دهد که بحرانی در راه است (دیدگاه سلبی و درون‌زادی)؛
دوم: به مسئولان هشدار می‌دهد تا سریعاً نسبت به رفع مشکلات مردم اقدام کنند (دیدگاه ایجابی و برون‌زادی)؛

۲) در همان شرایط عادی، ضرورت دارد تا پلیس، زمان‌های خاص، رهبران و جغرافیا (مکان‌های مهم مانند؛ دانشگاه‌ها، میادین خاص و ...) را مورد توجه قرار دهد.
این اقدام باعث می‌شود:

اول: مسئولان مرتبط نسبت به تشکیل جلسات رفع تنش با رهبران مخالف اقدام کنند (اشتراک دیدگاه‌های سلبی و ایجابی و امنیت درون‌زادی و برون‌زادی)؛

دوم: با اطلاع‌رسانی صحیح، مردم را از احتمال بروز بحران آگاه سازند (دیدگاه ایجابی و برون‌زادی)؛

سوم: واحدهای صنفی خصوصی و دولتی را از احتمال وقوع خسارت آگاه سازند (دیدگاه ایجابی و برون‌زادی)؛

چهارم: واحدهای خدماتی و امدادی را از شرایط آگاه سازند (دیدگاه ایجابی و برون زادی)؛

۳) با دریافت علائمی از شروع بحران (مثلاً افزایش روندها در موضوعات) انرژی پلیس بایستی از موضوعات، به رهبران، دستگاه‌های اداری آنها و شبکه‌های اجتماعی (واقعی و مجازی) معطوف شود.

زیرا به طور معمول در این شرایط رفت و آمدها، تشکیل جلسات، انجام مصاحبه‌ها در احزاب، گروه‌ها، دسته‌جات و جابجایی پول و... به شدت افزایش می‌یابد (دیدگاه سلبی و درون زادی). در نتیجه با افزایش کنترل پلیس، توان پیش‌نگری پلیس نیز افزایش می‌یابد؛

۴) با شروع بحران؛ بهتر است پلیس توان خود را بر زمان و جغرافیای بحران اجتماعی صرف نماید. تا پلیس و سایر دستگاه‌های خدماتی، امکان تأمین نیرو و توان متناسب با شرایط را به دست آورند؛

به طور معمول دقیق‌ترین اطلاعات از میزان خرابی‌ها در اختیار پلیس قرار دارد. بنابراین اطلاع‌رسانی به دستگاه‌های خدماتی و تحریک آنها باعث می‌شود تا شرایط عادی برای تداوم روند زندگی مردم فراهم شود.

۵) پس از اتمام درگیری‌ها، ضرورت دارد تا انرژی پلیس بر جغرافیای بروز بحران معطوف شود، تا امکان ترمیم و بازسازی فراهم گردد.

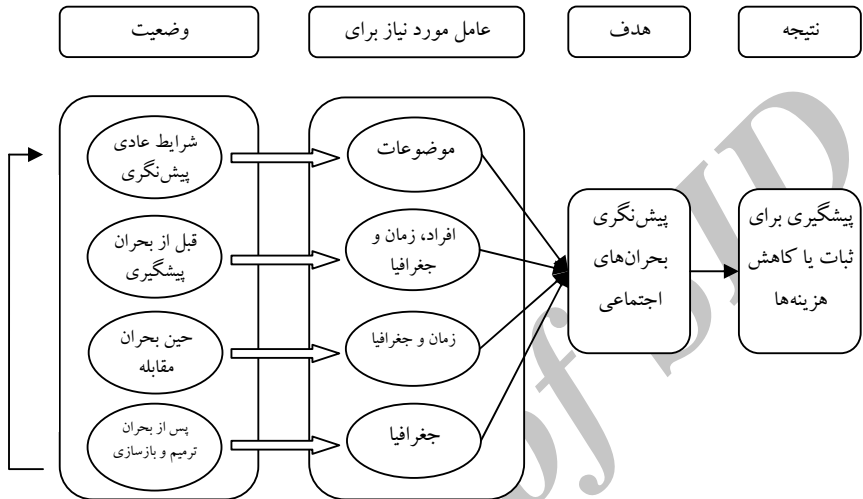
۶) از این زمان به بعد مرحله هدف‌گذاری و جمع‌آوری اطلاعات در خصوص موضوعات مهم مجدداً آغاز می‌شود و چرخه فوق‌کماکان ادامه می‌یابد.

مدارهای ذیل مطالب فوق را بخوبی نمایش می‌دهند، به عبارت دیگر لازم است اقدامات سازمان پیش‌نگر بر اساس الگوی منطبق با جدول ذیل باشد. اهمیت این جدول در این است که هر عامل بر حسب شرایط و با توجه به وضعیت اجتماعی از حیث نزدیکی یا ورود به مرحله بحران اجتماعی مرتب شده است:

وضعیت	عامل موثر در پیش‌بینی
قبل از بحران	توجه به موضوعات
نزدیک به بحران	کنترل افراد
حین بحران	کنترل زمان و جغرافیا



این الگو به سهولت، تأثیر عوامل بر مراحل بحران را نشان می‌دهد.



شکل ۱. الگوی پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی به منظور پیش‌گیری از آنها توسط پلیس

جدول ۵. مستندات عناصر مختلف الگوی پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی

مستندات هر قسمت از الگو	
زمان	گرهارد مازور، ۱۳۶۷؛ اش و راس، ۲۰۰۴؛ حسینی، ۱۳۸۷؛ جانیس، ۱۹۸۹؛ تاجیک، ۱۳۷۹؛ باترا، ۱۳۶۸؛ روبرت، ۱۹۹۴؛ میتراف، ۱۹۹۲.
موضوعات	تافلر ۱۳۸۶، گرهارد مازور ۱۳۶۷، حسینی ۱۳۸۶، وردی نژاد و رشتیانی ۱۳۸۸، تاجیک ۱۳۷۹، هیلکس ۱۳۷۷، رابرت گر ۱۳۷۹، پای ۱۳۸۰، تاجیک ۱۳۸۴.
افراد حقیقی و حقوقی	ویتزل و جانسون ۱۹۸۹، وردی نژاد و رشتیانی ۱۳۸۸، روزنتال و هارت ۱۳۸۱، می یرز و هلوشا ۱۹۶۸، تاجیک ۱۳۷۹، میتراف ۱۹۹۷، وندلر ۲۰۰۱، الوانی ۱۳۷۲، قاسمی ۱۳۸۷.
جغرافیا	میتراف ۱۹۹۷، آندرو ۱۹۹۲، حسینی ۱۳۸۷، جانیس ۱۸۹۸، فینک ۱۹۸۶، رفیع پور ۱۳۸۷، وفادار ۱۳۸۸، رستم وند ۱۳۸۵، کاظمی ۱۳۶۶.



نتیجه‌گیری

ثبات اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین زیر مجموعه امنیت داخلی یک تولید اجتماعی است و تولید، حفظ و توسعه آن تنها وظیفه یک ساختار نمی‌باشد، بلکه تمامی مردم و سازمان‌ها که به نوعی ذی‌نفعان اصلی وجود امنیت در جامعه محسوب می‌شوند باید به طور جدی در این فرایند به ایفای نقش بپردازند.

همه سازمان‌ها مانند: قوه قضاییه، نیروی انتظامی، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما، وزارت کار، آموزش و پرورش و... لازم است با شناسایی آن دسته از مؤلفه‌های افزایش امنیت عمومی که در راستای کاری ایشان قرار دارد، برای تأمین و افزایش آرامش اجتماعی به طور جدی برنامه‌ریزی و تلاش نمایند.

در جامعه شناسی سیاسی هابرماس^۱، «حوزه عمومی» پالایش و پیرایش مفهومی یافته و کاربردی دو سویه، به عنوان لایه میانی بین ملت و دولت می‌یابد که به واسطه آن در خواست‌های جامعه، جذب، تحلیل، ساماندهی و در نهایت به درون سازمان رسمی قدرت تزریق می‌شود. متقابلاً کار ویژه‌های دولتی، دریافت، تحلیل و به جامعه عرضه می‌گردد (نوذری ۱۳۸۱، صص ۴۸۶-۴۹۰).

امنیت عمومی از نگاه بوزان (۱۳۷۸) به قابلیت الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است. بوزان با تأکید بر حفظ عناصر اصلی جامعه، تحقق شرایط امن و بدون خطر را برای جامعه میسر می‌داند. بوزان بحث خود را با بیان ارگانیک‌نهیافته در این تئوری آغاز می‌کند و معتقد است امنیت عمومی به مقابله با خطراتی می‌پردازد که به صورت نیروی بالقوه یا بالفعل هویت افراد جامعه را تهدید می‌کند. امنیت عمومی از نظر بوزان به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن خودشان را به عنوان عضو یک گروه قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر، مربوط به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هویت عمومی او را سامان می‌بخشند. یعنی حوزه‌ای از حیات اجتماع که فرد خود را به ضمیر ما متعلق و منتسب می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. مثل ما ایرانیان، ما زنان، ما مسلمانان، ما اعراب و غیره. حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال



در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت عمومی محسوب می‌شود. به این جهت است که بوزان مفهوم ارگانیکی امنیت عمومی را هویت دانسته و امنیت عمومی را مترادف امنیت هویت تلقی می‌کند (نویدینیا، ۱۳۸۵، ص ۴۰).

پیشنهادها

- نتایج و زیان‌های ناشی از بروز بحران‌ها تعیین و به مردم اطلاع رسانی شود. این اقدام در صدمات پس از حوادث ناشی از درگیری طرفداران فوتبال بسیار مؤثر بود.
- در مطالعه‌ای مجزا ضمن تعیین میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل کاهنده سطح و عمق ثبات اجتماعی، به اولویت‌بندی آنها پرداخته شود. پر واضح است که روش‌های کمی و کیفی به تنهایی قادر به کسب شناخت و درک شرایط در سطح و عمق نبوده و هم‌راستا با نتیجه پژوهش حاضر، رویکرد پژوهش آمیخته، می‌تواند به این مهم یاری رساند.
- با توجه به نتایج حاصله در پژوهش حاضر مبنی بر تأثیر شگرف افزایش آگاهی مردم بر ایجاد آرامش اجتماعی، پیشنهاد می‌شود از طریق پژوهشی مستقل، به شناسایی راهکارها و روش‌های افزایش آگاهی و دانش مردم به منظور استفاده حداکثری از مشارکت آنها در تولید ثبات اجتماعی فراگیر، پرداخته شود.
- با توجه به نتایج حاصله در پژوهش حاضر مبنی بر تأثیر شگرف «حاکمیت فرهنگ قانون‌گرایی و وجود نظام حقوقی و کیفی به روز و هماهنگ» بر ایجاد ثبات اجتماعی، پیشنهاد می‌شود از طریق پژوهش‌هایی کاربردی، ضمن شناسایی گلوگاه‌های قانون‌گریزی و ناکارآمدی نظام حقوقی و کیفی و تبعات منفی این عامل مهم در کاهش اعتماد عمومی، اقدامات مؤثر در این زمینه تدوین گردد.
- با توجه به شناسایی حیطه‌های شش‌گانه تأثیرگذار در تولید امنیت عمومی، شامل حیطه‌های «فرهنگی - آموزشی»، «اقتصادی»، «انتظامی»، «حقوقی - قضایی»، «اجتماعی»، «سیاسی» پیشنهاد می‌شود در مطالعه‌ای جامع، ضمن تعیین میزان تأثیرگذاری هر یک از

حیطه‌های شش‌گانه تأثیرگذار در ایجاد آرامش اجتماعی، به اولویت‌بندی آنها پرداخته شود.

➤ با توجه به نتایج حاصله در پژوهش حاضر مبنی بر تأثیر شگرف «پاسخگو بودن مدیران در خصوص تصمیمات و عملکردشان و وجود نظام کارآمد ارزیابی عملکرد» بر ایجاد آرامش اجتماعی، پیشنهاد می‌شود از طریق پژوهش‌هایی کاربردی، به شناسایی راهکارهای پاسخگو نمودن مدیران ارشد و میانی در خصوص تبعات تصمیمات‌شان از طریق ارتقای فرهنگ مسئولیت‌پذیری و استقرار نظام جامع ارزیابی، اقدامات مناسب تدوین گردد.

منابع فارسی

- آلموند، گابریل و دیگران. (۱۳۸۱). سیاست تطبیقی. ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- احمدیان، آراسب. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی مدیریت بحران و پیش‌نگری زمین لرزه. پژوهشنامه زلزله شناسی و مهندسی زلزله، شماره اول، سال چهارم.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۷۵). سازمان‌های بحران‌پذیر و بحران‌ستیز. مجله دانش مدیریت، شماره ۳۵ و ۳۶.
- امیری، عبدالرضا. (۱۳۸۷). بحران‌های طبیعی و نظم و امنیت اجتماعی. چاپ اول، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- باترا، راوی. (۱۳۶۸). بحران بزرگ ۱۹۹۰. ترجمه خسرو اسدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- بایندر و دیگران. (۱۳۸۰). بحران مشروعیت (بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی). ترجمه سروی، انتشارات مطالعات راهبردی.
- برچر، میشل و پاتریک جیمز. (۱۳۸۲). شیوه‌های مدیریت بحران‌های بین‌المللی. ترجمه جمشید زنگنه، مجله اطلاعات اقتصادی، سیاسی، شماره ۲۹.
- بشیری، حسین. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی سیاسی. چاپ چهاردهم، تهران: نشر نی.



- بوث، سایمون. (۱۳۸۳). شبیه‌سازی تعاملی و آموزش مدیریت بحران. ترجمه حسین حسینی، نشریه سیاست دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸). «مردم، دولت‌ها و هراس». ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۷). عملیات روانی در بحران. مجموعه مقالات مدیریت بحران، تهران: معاونت آموزش ناجا.
- پای، لوسین و دیگران. (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی. ترجمه و نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (الف). (۱۳۸۴). مدیریت بحران، نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران. چاپ اول و دوم، تهران: گفتمان فرهنگ.
- تاجیک، محمدرضا (ب). (۱۳۸۴). مدیریت بحران. چاپ دوم، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
- تافلر، الوین. (۱۳۷۶). شوک آینده. مترجم: شهیندخت خوارزمی، چاپ سوم، تهران: نشر سیمرغ.
- تسلیمی، محمد سعید و دیگران. (۱۳۸۴). بررسی میدانی بحران اولویت در مدیریت بحران. نشریه دانش مدیریت، شماره ۶۹، صص ۲۳-۳.
- تمیزی، عباس. (۱۳۷۶). مدیریت بحران و برنامه‌ریزی در شرایط اضطراری در شرکت‌های عمومی. ویژه‌نامه مدیریت بحران آب.
- حسینی، حسین و سید مجید جدی. (۱۳۸۴). مدیریت بحران. جلد ۱ و ۲، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- حسینی، مازیار. (۱۳۸۷). مدیریت بحران. چاپ اول، تهران: مؤسسه نشر شهر.
- دراپک، توماس. (۱۳۸۳). تکامل مدیریت بحران. ترجمه مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران: نشر پردازش.
- دراپک، توماس. ای و جرالد جی هواتمر. (۱۳۸۳). مدیریت بحران، اصول و راهنمای عملی دولت‌های محلی. ترجمه رضا پورخردمند، چاپ اول، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- رجیستر، مایکل و جودی لارکین. (۱۳۸۰). مدیریت بحران علل شکست و موفقیت. ترجمه الهام حسین زاده، نشریه هنر هشتم شماره ۲۴.

روزنتال، آریل و پائول تی هارت و مایکل تی. (۱۳۸۱). *مقابله با بحران‌ها، مدیریت بلایا، شورش‌ها و تروریسم*. ترجمه محمد علی ستاری فقیهی، فصلنامه دانش انتظامی، سال چهارم، شماره ۴.

روزنتال، اوریل و برت پیچنبرگ. (۱۳۸۳). *مدیریت بحران و تصمیم‌گیری، سناریوهای مبتنی بر تصمیم‌گیری*. ترجمه حسین حسینی، نشریه سیاست دفاعی سال دوازده، شماره ۴۶. روز نیام، دنیس. (۱۳۸۱). *پیشگیری از جرم*. ترجمه حمیدرضا حبیبی، چاپ اول، تهران: معاونت تربیت و آموزش ناجا.

زندى، داود. (۱۳۸۷). *چشم‌انداز امنیت انسانی در خاورمیانه سده بیست و یکم*. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۱، پاییز.

زینالی، امیر حمزه. (۱۳۸۴). *جایگاه سازمان‌های دولتی مسوول بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی در ایران*. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۴.

قاسمی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیش‌بینی بحران‌های اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و ستاد، دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.

قصری، محمد. (۱۳۸۷). *مجموعه مقالات مدیریت بحران*. تهران: معاونت آموزش ناجا. کاظمی، علی اصغر. (۱۳۸۱). *مدیریت سیاسی و خط مشی دولتی*. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.

کریس، گری. (۱۳۸۳). *ساماندهی مدیریت بحران*. ترجمه مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری، تهران: نشر پردازش.

کلانتا، گالیث. (۱۳۸۰). «بحران». ترجمه مؤسسه تحقیقاتی روابط عمومی، شماره ۱۲ آبان و آذر ۱۳۸۰.

کلاهچیان، محمود. (۱۳۸۲). *پیش‌بینی بحران‌های اجتماعی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کوهن، جین و سایرین. (۱۳۸۶). *فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید*. مترجم، علی حاجلی، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.

گودرزی، غلامرضا. (۱۳۸۳). *آینده‌نگری در مدیریت بحران*. نشریه کمال مدیریت، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.



لمپرت، رابرت جی و سایرین. (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی پابرجا برای یک قرن. چاپ اول، تهران: اندیشکده صنعت و فناوری.

ماندل، رابرت. (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی. ترجمه و نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی

محمدی فر، محمد. (۱۳۸۷). بازسازی در بحران. مجموعه مقالات مدیریت بحران، معاونت آموزش ناجا.

مک کارتی شاون پی. (۱۳۷۸). نقش اطلاعات در مدیریت بحران، درآمدی بر درک محور دو قطبی مصرف‌کننده و تولیدکننده اطلاعات. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مک کارتی و شاون پی. (۱۳۸۱). نقش اطلاعات در مدیریت بحران. ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.

مک کین لای، آر.دی، لیتل، آر. (۱۳۸۰). امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها. ترجمه اصغر افتخاری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ملکی فر، عقیل و همکاران. (۱۳۸۵). الفبای آینده پژوهی. چاپ اول، تهران: اندیشکده صنعت و فن‌آوری.

میتراف، تی ین و گاس نگناس. (۱۳۸۱). مدیریت بحران پیش از روی دادن. ترجمه محمود توتونچیان، تهران: نشر مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

میلر، لیندا اس و کارون ام هس. (۱۳۸۲). پلیس در اجتماع. ترجمه محمدرضا کلهر، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

ناطق‌اللهی، فریبرز. (۱۳۷۸). مدیریت بحران زمین لرزه در ایران، پژوهشگاه بین‌المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله.

نویدنیبا، منیژه. (۱۳۸۸). چشم‌انداز پلیس، امنیت و سرمایه اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره دوم، صص ۲۹-۴۶.

وردی‌نژاد، فریدون و شهلا بهرامی رشتیانی. (۱۳۸۸). مدیریت بحران و رسانه‌ها. تهران: سمت.

ویلکن، پیتر. (۱۳۸۱). اقتصاد سیاسی ارتباطات جهانی و امنیت انسانی. ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هانینگتون، ساموئل. (۱۳۷۹). درک توسعه سیاسی. ترجمه مرکز پژوهش‌های مطالعات راهبردی.



هوآتمر، جرال.د. جی. (۱۳۸۳). مدیریت بحران. ترجمه مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، تهران: پردازش.

منابع لاتین

- Ash S. and Ross, D. K. (2004) *crisis management through the lens of Epidemiology business horizons*
- Barton, D Nawell,R. ,Wilson, G. (2002),*Preparing for financial crisis*. The Mckinsey Quarterly number 2,pp 79-87
- Bennis,W. G Thomas, R. J. (2002), *Crucibles of Leadership*. Harvard Business Review September, pp. 5-11
- Buzan, Barry (1983) *people , states , and fear the national security problem in International relations* (UK. wheat sheaf books)
- Capllan ,G .(1970), *the theory and practice of mental health consultation*. London taris tock publication.
- Caplan, G. (1961), *An approach to community mental health*. New York: Grunne & Stratton.
- Clerk. j (1987) *Chavs Making of a new since N. y*
- Coleman , L,(2004) *The frequency and cost of corporate Crisis* , Journal of Contingencies and crisis management , P 1-130
- Dutton, J. E. (1986) “*The processing of crisis and Non-Crisis Strategies Issues*” , journal of management studies , 23(5), .pp. 501-517
- Erwin A. schmid (2009) *police function in peace operations. An historical overview in Robert B.*
- Fink, S. (1996) “*Crisis management: planning for the Inevitable*” , New York, NY: American ,management Association.
- Fink,S. (1986)*crisis management* (New. York. American management, Association)
- Johnson S & scholes K. (1988) *Exploring corporate strategy*. London. prentice – Hall
- Junis, I, L. (1989) *cracial , Ducislons* , N. Y. free press
- Kreitner Robert, (1998) *management* , 7th ed. Boston Houghton Mifflin co. P618
- Lerbinger, O, (1997), *the Crisis Manager: Facing Risk and Responsibility*, Mahwah. J. , Erlbaum
- Meyers G, and Holusha, J, (1988) *Managing crisis. London Hawin*
- Michael Herman (1990) *.Intelligence power in peace and war* (New York. Cambridge university press.
- Mitroff , I & Pearson C. Misra s and clair J ,(1997) *Managing the unthinkable Journal of organizational dynamics* , Autumn , S1 , G4
- Mitroff, M. Pearson. C & Pauchantt. C (1992) *.crisis management and strategic management similavities* JAI press,8
- Mitroff, I. I. (1994) “*Crisis management and Environmentalism: A natural Fit*”, California management review, 36,(2), , pp. 101-113
- Mitroff, I. I. , pearson, C. M. , & Harrington, L. K. (1996) “*The essential Guide to managing Corporate Crisis: A Step-by-step Handbook of surviving major catastrophes* oxford Uk University press,



- Mitroff, O. I. (1988) "Crisis managing Cutting through the confusion" ,Sloan management review, 29(2), pp. 15-20
- Oakley. Michel J. Goldberg (2009) .*Policing the new world disorder*. Peace operations and public security.
- Pauchant, T & Mitroff (1992) .*transforming the crisis organization san Francisco*, Gossey. Bass press
- Roberts. Jonathan. M, Decision. *Making during International crisis* (London, Macmillan prees. LTD
- Rosenthal uriel & Bert pijenbury (1991) *crisis management and decision masking. Simulation oriental scenarios Dordrecht*, lower Academic publishers.
- Roxana D. V. Sisnandis (1997) *police function in peace operations*. Work shop organized by the USA.
- Salter, J. (1997), "Risk management in a disaster Context" Journal of Contingencies and Crisis Management , 5(1), pp. 60-65
- Shrivastave P., & Mitroff, I. I. (1987) "Strategic management of corporate crisis" , Columbia Journal of world business, 22(1), pp. 5-11.
- Slatler, S. (1984) , corporate Recovery Hamondsworth penguin.
- Terriff, Terry. Morgan, Patrick. James, Lucy. Croft, Stuart (1999), Security Studies Today, Cambridge, UK : Polity Press ; Malden, MA : Blackwell Publishers.
- Valees, M. (1999), *crisis, Culture and charisma: the new leader's work in public organization public personnel management Summer*, pp. 242-257
- Vendrel, Ernest. G. (2001) *Developing the Emergency response plan*. April
- Vendrell, Ernest G. (2001) *the Incident command system a proven tool for the management of Emergency operation*.
- Watson. Bruce W. Wasron,susan M (1990) Gerald W. Hopple (eds) united state intelligence. An encyclopedia (New York & London, Gorland publishing INC.
- Yu, A. (2003). *A story of two crises: SARS and September 11th*. Leader Values (online). Retrieved on February 20, 2004. Www. leader-values. com